

محمود پاک‌نیت در گفت‌وگو با «صبا»:

«سارق روح»

براساس داستان‌های واقعی است

بازمان پخش مشکل دارم

گفت‌وگو

وحید خانه‌ساز

محمود پاک‌نیت بازیگر دو عرصه سینما و تلویزیون است که در

سریال‌های *مطر حی چون «پدر سالار» ساخته اکبر خواجهویی*، *«روزی روزگاری» ساخته امراله احمدجو*، *«خانه‌ای در تاریکی» ساخته سعید*

سلطانی و *«شب دهم»* ساخته حسن فتحی ایفای نقش کرده‌است. **سریال «سارق روح» به کارگردانی احمد معظمی آخرین سریالی است که محمود پاک‌نیت در آن حضور دارد.**

این بازیگر درباره نقشش و ویژگی‌های این سریال با **روزنامه «صبا»** به گفت‌وگو نشست.

فیلمنامه سریال «سارق روح» چه ویژگی‌هایی

داشت که باعث شد شما در آن ایفای نقش کنید؟

این سریال درباره جامعه خودمان است و از آدم‌هایی می‌گوید که از دیگران سوءاستفاده می‌کنند و به آن‌ها زبان‌های مادی و روحی روانی وارد می‌کنند. بزرگ‌ترین ویژگی «سارق روح» این است که براساس اتفاقات واقعی شکل گرفته‌است؛ یعنی فیلمنامه آن براساس پرونده‌های موجود در اداره پلیس نوشته شده و شخصیت‌های فیلم نیز واقعی هستند و تنها اسم و فامیل آن‌ها تغییر کرده و وقایعی که در سریال می‌بینیم همان اتفاق‌هایی هستند که در تهران رخ

داده‌اند.

این اتفاق‌ها و حوادث واقعی چقدر نمایشی و دراماتیک شده‌اند؟

همان‌طور که گفتم وقایع فیلم براساس واقعیت نوشته شده‌اند و تخیلی در آن به کار گرفته نشده و براساس دنیای ذهنی و خیال‌باقی

براساس داستان‌های واقعی است

نویسنده به رشته تحریر درنیامده‌است. این وقایع آن قدر وحشتناک و دراماتیک هستند که احتیاجی به حذف و اضافه ندارند و البته تا آن جایی که می‌دانم ناجانیز در زمان تحویل پرونده‌ها از عوامل سریال خواسته که دخل و تصرفی در آن‌ها نشود تا مردم در این باره به آگاهی برسند.

به نظر تان بیان واضح حوادث جامعه باعث تنش واضراب مخاطبان نخواهد شد؟

نه، به هیچ وجه؛ البته زمانی این‌گونه بود که درباره پرونده‌های حساس قضایی اطلاع‌رسانی نمی‌شد و مردم از اتفاقات اطرافشان بی‌خبر بودند و به‌راحتی در دام افراد کلاهبردار و شیاد می‌افتادند، اما در حال حاضر مسئولان به این نتیجه رسیده‌اند که مردم باید از اتفاق‌هایی که در جامعه رخ می‌دهد باخبر باشند تا نسبت به آن‌ها آگاهی پیداکنند و جلوی حوادث احتمالی را بگیرند.

شما در این سریال چه نقشی دارید؟

در سریال «سارق روح» نقش مردی به نام خرامان را بازی می‌کنم. او فردی است که با وعده‌هایش آدم‌ها را ترغیب می‌کند تا ثروتشان را به یک موسسه ببخشند و پس از آن که ذخیره‌های مالی‌شان تمام شد، آن‌ها را به مرگ توصیه می‌کند.

کمی بیشتر درباره نقشتان توضیح دهید.

در واقع خرامان شخصیتی است که می‌خواهد هفت نفر را به مرحله‌ای برساند که به بهشت بروند و خود نیز آمرزیده شود و برای این

تولید چنین آثاری بی‌اهمیت است؟

ابتدا به کارگردان‌ها و فیلمسازانی نیاز داریم که جسارت داشته باشند و دل به دریا بزنند و مقاطع تاریخی را هر چند کوتاه مورد بررسی قرار دهند و به تولید اثر درباره آن بپردازند و به نظم دلیل عمده این کاستی عدم بودجه کافی است و نقش بزرگی در تولید آثار تاریخی دارد. به‌طور مثال اگر قرار باشد با وضعیت اقتصادی فعلی و هزینه‌های موجود سریال «ولایت عشق» را بسازیم امکان‌پذیر نیست و با مشکلات بزرگی مواجه خواهیم شد.

پس چاره کار چیست؟

حامیان مالی و اسپانسرهایی که در تولید پروژه‌های مختلف با تلویزیون همکاری می‌کنند و در ساخت آثار سهیم هستند می‌توانند در تولید یک اثر تاریخی سهیم باشند یا حتی چند اسپانسر دست به دست هم دهند و با بودجه‌ای که هزینه می‌کنند به تولید آثار پر هزینه کمک کنند و در مقابل نیز نام «برند» آن‌ها در تیتراژ قید می‌شود و به‌نوعی مطرح می‌شوند. یا مثلاً این که در میان برنامه‌هایی که در اواسط سریال‌های تلویزیونی پخش می‌شود برنشان را در قالب تیزر تبلیغ کنند؛ و حتی می‌توانند رپرتاژ آگهی داشته باشند و به‌وسیله آن از پشت‌صحنه سریال، بخش‌هایی را نشان دهند. اما به هر حال برخی از دست‌اندرکاران راهکارهای مفید را نمی‌دانند.

شاید در مدیریت این بخش باید قوی‌تر عمل کنیم؟

اگر افراد کاربلد به طراحی بپردازند و پس از آن با اسپانسر‌ها به گفت‌وگو بنشینند و راهکارهای تبلیغاتی را به آن‌ها نشان دهند می‌شود کار تاریخی ساخت و در عین حال از تبلیغات درست نیز بهره برده البته سازمان صداوسیما نیز باید بودجه‌ای به این بخش اختصاص دهد تا به این ترتیب نسل‌های آینده از آثار به جا مانده استفاده کنند و از گذشته خود باخبر شوند.

و به این ترتیب نیاز مخاطب نیز برآورده می‌شود؛ زیرا معمولاً از آثار تاریخی استقبال شده است.

بله و نکته مهم‌تر این که ما هر چه بیننده را به ساده‌پسندی عادت بدھیم سلیقه‌اش در همان سطحی که هست باقی می‌ماند. بگذارید مثالی بزنم. شما دانش آموز کلاس دومی را در نظر بگیرید که باید به مقاطع بالاتری برود و در نهایت به دانشگاه برسد این اتفاق به آموزش نیاز دارد، بنابراین مسئولان، هنرمندان و فیلمسازان باید سلیقه مخاطب را با تولید

آمرزیده شدن همان مسیری را می‌رود که آن‌ها می‌روند. این شخصیت که در طول قصه و هفت قسمت دیده می‌شود، در نوع و رده خودش به‌نوعی فریب‌خورده و در تلاش است دیگران را به همان باوری برساند که خودش به آن رسیده‌است و تصورش این است مسیری که انتخاب کرده درست است.

با این تفاسیر خرامان شخصیتی منفی نیست، درست است؟

به نظرم شخصیتی به‌عنوان منفی نداریم و همه آدم‌ها خاکستری هستند. حال این خاکستری بودن گاه به سمت تاریکی می‌رود و گاه به سمت روشنی. خرامان آدمی است که مانند دیگر آدم‌های فیلم فریب‌خورده‌است.

درست است و مخاطب دلش برای او می‌سوزد.

بله و گاه پیش آمده که مخاطبان از من درباره او پرسیده‌اند و برایشان ایجاد سوال شده که چنین شخصیتی واقعا وجود داشته؟ و نظرشان این بوده که این شخصیت چقدر بیچاره است که اتفاقاً درست هم هست؛ زیرا کسانی که در چنین مجموعه‌هایی قرار می‌گیرند اول خود فریب می‌خورند و سپس دیگران را فریب می‌دهند. در نهایت اشخاصی چون خرامان آدم‌های خودباخته‌ای هستند که از همان ابتدا خودشان را در اختیار دیگران قرار داده‌اند و چنان بر ذهن و تفکر آن‌ها کار شده که از مال و امکانات و موقعیتشان و در نهایت از جانشان می‌گذرند که این موضوع وحشتناک است.

به نظرم سریال «سارق روح» زمان پخش مناسبی ندارد و خیلی از مخاطبان از پخش آن بی‌خبرند.

باشما موافقم و من نیز با زمان پخش سریال مشکل دارم و نظرم این است که اگر در روز و ساعت پر مخاطبی روی آنتن می‌رفت با استقبال بیشتری مواجه می‌شد؛ هر چند در حال حاضر نیز نظر مخاطبان را جلب کرده اما به هر حال تلویزیون چنین تصمیمی گرفته و امیدوارم زمان بهتری برای آن در نظر گرفته شود و شبکه‌های دیگری نیز آن را به‌روی آنتن ببرند.

در حال حاضر به چه کاری مشغولید؟

فعالدر هیچ پروژه‌ای حضور ندارم.

آثار در خور ارتقا دهند؛ زیرا روح انسان راحت‌طلب است و مایل نیست به مسائل پیچیده و سخت بپردازد و اهالی فرهنگ و رسانه نباید این را فراموش کنند و اتاق فکر رسانه باید این موضوع را جدی بگیرد.

و تولید آثار ضعیف به این روند ضربه می‌زند؟

دقیقاً. برخی می‌گویند چرا فلان فیلم سخیف روی پرده سینماست؟ این اشکال از ماست که در این باره کوتاهی کرده‌ایم و اشکال کسانی است که مسیرهای هنری و فرهنگی یک جامعه را تدوین می‌کنند. وقتی که به آثار سنگین و تاریخی نمی‌پردازیم طبیعتاً چه خواهیم چو نخواهیم مردم را به آثار ضعیف عادت داده‌ایم و ساده‌پسندی را ترویج کرده‌ایم. مسلماً مردم ترجیح می‌دهند به سینما بروند و دوساعت بخندند تا این که به دیدن اثری بنشینند که آن‌ها را به فکر وادارد. به هر حال باید این موضوع را جدی بگیریم و شرایط را به گونه‌ای پیش ببریم که سلیقه مخاطب بالا برود.

درباره نقشتان در سریال «براندخت» کمی توضیح دهید.

در سریال «براندخت» شخصیت «اجلال‌الملک» را بازی کرده‌ام. او به‌نوعی مشاور ستارخان و رئیس انجمن حقیقت است؛ تشکلی که تمام حرکات‌های ستارخان در آن شکل می‌گرفته است.

بازیگر در ارائه نقش‌های تاریخی چقدر باید به آن مقطع بخصوص اشراف داشته باشد تا به نقش نزدیک شود؟

همیشه می‌گویم شخصیتی که بازیگر آن را ایفا می‌کند باید در دل تاریخ است یا در جامعه امروز؛ حال اگر قرار باشد شخصیتی تاریخی را بازی کنیم باید به آن مقطع تاریخی رجوع کنیم و آدم‌های آن دوره را بشناسیم؛ به‌خصوص شخصیت‌های شاخصی که به‌نوعی روی آن‌ها تأکید شده است. مسلماً زمانی که به تاریخ می‌رویم و راجع به شخصیت‌هایی چون ستارخان، باقرخان و دیگر آدم‌های مهم مطالعه می‌کنیم شخصیت مورد نظر را بهتر خواهیم شناخت. البته بخشی از این موضوع به عهده نویسنده و کارگردان است که باید آن مقطع تاریخی را تحلیل کنند و بخش دیگر آن به عهده بازیگر است که راجع به آن مقطع به شناخت برسد و به مطالعه‌ای کامل نیاز دارد تا در نهایت شخصیتی دقیق و کامل را ارائه دهد.

و سخن آخر؟

امیدوارم که نقش اجلال‌الملک را آن‌طور که باید ایفا کرده باشم و مورد قبول قرار بگیرد.



فخرالدین صدیق‌شریف بازیگر «براندخت» در گفت‌وگو با «صبا»:

تاریخ چراغ راه آیندگان است

مسئولان، هنرمندان و فیلمسازان باید سلیقه

مخاطب را با تولید آثار در خور ارتقا دهند